



دکتر ابراهیم بیگ زاده

مینه‌های زمینی: از ضرورت تا بشردوستی



* نویسنده از مسئولان کتابخانه سازمان ملل متحد در تهران به خاطر در اختیار
قرار دادن منابع مورد استفاده در این مقاله صمیمانه سپاسگزاری می‌نماید.

«مین‌هانگهبانان خاموشی هستند که
هرگز خطا نمی‌کنند و هیچگاه به خواب
نمی‌روند و هرگز صلح را به ارمغان نمی‌آورند.»
(پک افسر کامبوجی)

مقدمه

مین‌های زمینی^۱ و تراژدیهای انسانی ناشی از انفجار آنها «به مثابه

۱. معمولاً مین‌های زمینی دو دسته می‌باشند:

الف: مین‌های زمینی ضد نفر که کوچک بوده و به محض حرکت روی آنها و یا لمس نمودن سیم پیچ متصل به چاشنی یا وارد شدن فشاری برابر ۷ کیلوگرم منفجر می‌شوند. مین‌های ضد نفر که قبلاً از فلز ساخته می‌شدند در حال حاضر بطور کامل از پلاستیک ساخته می‌شوند (که این خود رویدن آنها را با مشکلات زیادی روبرو می‌کند). عرض آنها اغلب از ۶ سانتی متر تجاوز نمی‌کند (که باز این خود مشکلات زیادی را در یافتن آنها بوجود می‌آورد). قربانیان این گونه مین‌ها کشته یا حداقل معلول می‌شوند.

ب- مین‌های زمینی ضدتانکه: این مین‌ها که اغلب حاوی ۶ کیلوگرم مواد منفجره می‌باشند نسبت به مین‌های ضد نفر بسیار بزرگتر بوده و برای انفجار نیاز به بیش از ۱۰۰ کیلوگرم فشار دارند. این مین‌ها قادرند تانکها و سایر وسایط نقلیه جنگی را از بین ببرند. از آنجا که این مین‌ها قادر به تفکیک وسایط نقلیه از یکدیگر نمی‌باشند تراکتورها و سایر وسایط نقلیه نیز قربانی آنها

بیماری مهلکی»^۱ که گمان می‌شد بعد از پایان دو جنگ جهانی از میان رفته است، یکبار دیگر در جامعه جهانی خود نمای می‌کنند. وجود بیش از ۱۱۰ میلیون مین^۲ در بیش از ۶۰ سرزمین یا کشور جهان که اغلب آنها از سرزمین‌ها و کشورهای در حال توسعه می‌باشند سبب بروز مشکلات عدیده روانی، اجتماعی، اقتصادی و در یک کلام یکی از عوامل مهم و مؤثر در جلوگیری از رشد و شکوفایی و توسعه جامعه جهانی شده است.



می‌شوند. متأسفانه با دست کاری در این مین‌ها می‌توان آنها را با فشاری برابر ۷ کیلوگرم نیز منفجر نمود که این خود برای عابریانی که از جاده‌های مین‌گذاری شده (مین‌های ضدتانک) عبور می‌کنند خطر جانی به دنبال دارد.

2. BOUTROS- GHALI Boutros "The landmine crisis: A humanitarian disaster" foreign affairs, september/ october 1994.

۳. رجوع شود به United Nations Secretary - general "calls high- level international meeting", United Nations office at Geneva, 5-7 July 1995.

۴. تابلوی زیر که سرزمین‌ها و کشورهای مین‌گذاری شده را مشخص می‌کند نشان می‌دهد که به جز ۵ کشور بقیه از کشورهای جهان سوم می‌باشند

نام کشور	تعداد مین	نام کشور	تعداد مین	نام کشور	تعداد مین
۱. افغانستان	۱۰,۰۰۰,۰۰۰	۲۴. جامو و کشمیر	آمارد دسترس نیست	۴۷. لیتوانی	۱۷۰۰۰
۲. آنگولا	۱۵,۰۰۰,۰۰۰ تا ۵۹,۰۰۰,۰۰۰	۲۵. چاد	آمارد دسترس نیست	۴۸. لبنان	۲۰,۰۰۰
۳. آذربایجان	۵۰,۰۰۰	۲۶. چین	۱۰,۰۰۰,۰۰۰	۴۹. لیبیا	۱۰۰۰
۴. البالوادور	۲۰,۰۰۰	۲۷. رواتندا	۶۰,۰۰۰ تا ۵۵۰,۰۰۰	۵۰. لائوس	آمارد دسترس نیست
۵. آرتره	۱,۰۰۰,۰۰۰	۲۸. روسیه فدراتیو	آمارد دسترس نیست	۵۱. لیبی	آمارد دسترس نیست
۶. اتیوپی	۵۰۰,۰۰۰	۲۹. زامبیا	آمارد دسترس نیست	۵۲. لوکزامبورگ	آمارد دسترس نیست
۷. اردن	۲۰۶۱۹۳	۳۰. سنگال	آمارد دسترس نیست	۵۳. مصر	۲۲,۷۰۰,۰۰۰
۸. اتریش	آمارد دسترس نیست	۳۱. سری لانکا	آمارد دسترس نیست	۵۵. میانمار	آمارد دسترس نیست
۹. آلمان	آمارد دسترس نیست	۳۲. سوریه	آمارد دسترس نیست	۵۶. موریتانی	آمارد دسترس نیست
۱۰. ایران	آمارد دسترس نیست	۳۳. سودان	۱,۰۰۰,۰۰۰	۵۷. نامیبیا	۵۰,۰۰۰
۱۱. اکوادور	آمارد دسترس نیست	۳۴. سومالی	۱,۰۰۰,۰۰۰	۵۸. نیکاراگوئه	۰,۰۰۰ تا ۱۰۹,۳۳۷
۱۲. اسلوانی	آمارد دسترس نیست	۳۵. صحرای غربی	۱۰,۰۰۰	۵۹. ویتنام	آمارد دسترس نیست
۱۳. اروگوئه	آمارد دسترس نیست	۳۶. عراق	۱۰,۰۰۰,۰۰۰	۶۰. هلند	آمارد دسترس نیست
۱۴. اوکراین	آمارد دسترس نیست	۳۷. عمان	آمارد دسترس نیست	۶۱. هندوراس	۴۰۰۰
۱۵. بلژیک	آمارد دسترس نیست	۳۸. جزایر فالکلند	۳۰,۰۰۰	۶۲. یمن	۱۰۰,۰۰۰
۱۶. بیلوروس	آمارد دسترس نیست	۳۹. فیلیپین	آمارد دسترس نیست	۶۳. پروگسلاوی	۵۰۰,۰۰۰
۱۷. بوسنی و هرزگوین	۱,۷۰۰,۰۰۰ تا ۱,۰۰۰,۰۰۰	۴۰. قبرس	۱۶/۱۲۲		
۱۸. پرو	آمارد دسترس نیست	۴۱. کامبوج	۱۰,۰۰۰,۰۰۰ تا ۵۸,۰۰۰,۰۰۰		
۱۹. تونس	آمارد دسترس نیست	۴۲. کاستاریکا	۳۰۰ تا ۱۵۰۰		
۲۰. تایلند	آمارد دسترس نیست	۴۳. کرواسی	۲,۰۰۰,۰۰۰		
۲۱. تاجیکستان	آمارد دسترس نیست	۴۴. کلمبیا	آمارد دسترس نیست		
۲۲. جمهوری کره	آمارد دسترس نیست	۴۵. گرجستان	۱۵۰,۰۰۰ تا ۷۵,۰۰۰		
۲۳. جیبوتی	آمارد دسترس نیست	۴۶. گواتمالا	۲۰۰ تا ۲۰۰۰		

تا بلوی فوق از گزارش دبیرکل به چهل و نهمین اجلاس مجمع عمومی در ۱۹۹۴ استخراج شده است رجوع شود به:

"Assistance in mine clearance" Report of the secretary-general, United Nations, A/49/150, 1994 p.5.

لازم به توضیح است که برخی از ارقام فوق طی دو سال گذشته تغییر کرده اند.

از آنجا که مین های زمینی از نوع تسلیحات متعارف محسوب می شوند لذا تنظیم قواعدی در خصوص آنها در چارچوب این گونه تسلیحات مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت. جامعه جهانی، پس از برگزاری دو کنفرانس بین المللی در سالهای ۱۹۷۸ و ۱۹۸۰ در ژنو سرانجام با کنسانسوس کنوانسیون مربوط به «برخی تسلیحات متعارف با آثار رنج و درد زائد» را در ۱۰ اکتبر ۱۹۸۰ منسوب نمود.^۵

این کنوانسیون دارای ۳ پروتکل می باشد که پروتکل شماره II آن مربوط به مین های زمینی تحت عنوان «ممنوعیت یا محدودیت استفاده از مین های زمینی، تله های انفجاری و سایر ادوات انفجاری» می باشد.^۶ برای لازم الاجرا شدن این کنوانسیون علاوه بر تصویب خود کنوانسیون تصویب حداقل ۲ از ۳ پروتکل آن ضروری است. کنوانسیون مزبور و ضمائم آن سرانجام در ۲ دسامبر ۱۹۸۳ لازم الاجرا شدند و تا اول ژانویه ۱۹۹۶ بالغ بر ۵۰ دولت به عضویت آنها درآمده اند.

مع هذا پروتکل شماره II، به علت اشکالات عدیده ای که به آن وارد است نتوانست معضل مین های زمینی را از میان ببرد. بخش اعظمی از

۵. رجوع شود به:

BRETTON- Philippe "La convention du 10 Avril 1981 sur l'interdiction ou la limitation de l'emploi de certaines armes classiques qui peuvent être considérées comme produisant des effets traumatiques excessifs ou comme frappant sans discrimination" in AFDI, 1991, P. 127.

۶. دو پروتکل دیگر عبارتند از:

- پروتکل شماره I در مورد تسلیحات غیرقابل شناسایی (non-detectable)

- پروتکل شماره III در مورد تسلیحات آتش زا (incendiaire)

ایرادات وارده به این پروتکل ناشی از تغییر مبانی آن است که لزوم بازنگری در آن را آشکار نمود. روند تغییر این پروتکل از سال ۱۹۹۳، یعنی ده سال پس از لازم‌الاجرا شدن آن، آغاز گشته^۷ و بنظر می‌رسد تا پایان سال جاری مسیحی (۱۹۹۷) تغییرات بنیادینی در آن به عمل آید. با توجه به معضلات عدیده‌ای که مین‌های زمینی برای جامعه جهانی ایجاد نموده‌اند سعی می‌شود ابتدا مبانی قواعد موضوعه در مورد مین‌های زمینی، به شکل مندرج در پروتکل شماره II و تحوّل آنها مورد مطالعه قرار گیرد، سپس روند تغییر آنها بررسی شود.

فصل اول

مبانی قواعد بین‌المللی در مورد مین‌های زمینی و تحوّل آن: از ضرورت تا بشردوستی

I- ضرورت

علیرغم طرح ملاحظات بشردوستانه در جریان تدوین قواعد بین‌المللی در مورد تسلیحات نظامی باید گفت که عامل تعیین‌کننده این ملاحظات نبوده بلکه آنچه که حائز اهمیت است ضرورت‌های نظامی در

۷. طبق ماده ۸ کنوانسیون به دو شکل زیر می‌توان آن را مورد بازنگری قرار داد
الف: بازنگری قبل از پایان ده سال از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون:

طبق ماده ۸ بند یک کنوانسیون هریک از متعاهدین می‌تواند به محض لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون و پروتکل‌های منضم به آن تقاضای اصلاح آن را بکند. این درخواست توسط امین به سایر متعاهدین ابلاغ و در صورتی که حداقل ۱۸ متعاهد دیگر موافقت کردند امین می‌تواند کنفرانس تجدیدنظر را تشکیل دهد. در این حالت اصلاحات باید با کنسانسوس متعاهدین تصویب شد.

ب: بازنگری ده سال پس از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون:

طبق ماده ۸ بند ۳ اگر قبل از پایان ده سال هیچ کنفرانس تجدیدنظری تشکیل نشد هریک از متعاهدین می‌تواند از امین تقاضای تشکیل آن را بنماید. در این حالت امین باید کنفرانسی تشکیل و از کلیه دولت‌های متعاهد به عنوان شرکت‌کننده و از دولت‌های غیرمتعاهد به عنوان ناظر دعوت به عمل می‌آورد. این کنفرانس می‌تواند قلمرو اجزایی کنوانسیون و پروتکلها را بررسی و آنها را اصلاح و همچنین پروتکل‌های جدیدی را نیز تصویب کند. رجوع شود به:

BRETTON- Philippe, op. cit, p. 137.

درجه اول و ملاحظات اقتصادی در درجه بعدی است.^۸ قواعد پروتکل شماره II در مورد مین‌های زمینی نیز از این قاعده مستثنی نبود، یعنی اینکه مبنای قواعد مندرج در این پروتکل «حالت ضرورت» است که غایت آن، در واقع، محدود نمودن خشونت و تعرض در حد ضرورت برای نیل به اهداف جنگی است.

استفاده از «حالت ضرورت» در قواعد مندرج در پروتکل شماره II به صراحت مشخص است. اولین خلاء پروتکل شماره II عدم اجرای آن در مخاصمات مسلحانه داخلی است که این خود سبب شده است که از مین‌های زمینی به وفور در مخاصمات مسلحانه داخلی استفاده شود. براساس اعلام دبیرکل سازمان ملل متحد در طی ۲۰ سال گذشته ۶۵ میلیون مین در جریان مخاصمات مسلحانه کار گذاشته شده اند.^۹ به عبارت دیگر بیش از نیمی از مین‌های زمینی موجود در جریان مخاصمات مسلحانه داخلی کار گذاشته شده اند، که این خود ناشی از محدود بودن اجرای پروتکل شماره II به مخاصمات مسلحانه بین‌المللی است.

از سوی دیگر ممنوعیتهای نسبی پیش بینی شده در پروتکل شماره II نیز در عمل چندان کارآیی ندارند. ماده ۳ پروتکل ناظر بر عدم استفاده از مین‌های زمینی برضد مردم عادی و اهداف غیرنظامی است. اما این بدان معنا نیست که دولتی حق ندارد در مناطقی که افراد غیرنظامی ساکن هستند از مین‌های زمینی برضد اهداف نظامی استفاده نکند. به عبارت دیگر دولت می‌تواند از این مین‌ها برضد اهداف نظامی حتی واقع در مناطق پرتراکم جمعیتی استفاده کند در این حالت آن دولت، طبق ماده ۴،

۸. رجوع شود به:

MARTIN -Pierre - Marie "Droit international public", édition Masson, paris, 1995, p. 261.

۹. برای مثال در جنگ داخلی افغانستان بالغ بر ۱۰ میلیون مین زمینی کار گذاشته شده اند، این رقم در مورد آنگولا بین ۹ تا ۱۵ میلیون و در مورد کامبوج بین ۸ تا ۱۰ میلیون و در... می‌باشد.

رجوع شود به

"Assistance in mine clearance" Report of the Secretary-general, UN, A/49 150, 1994, p. 5.

فقط موظف است با نصب تابلوهای اعلان خطر، استقرار پست‌های نگهبانی یا ایجاد حصار و موانع از میزان خطر بکاهد. در حالی که دولتها در عمل به چنین تعهداتی گردن ننهاده، اجرا نمی‌کنند.

ماده ۵ پروتکل استفاده از مین‌های پرتاب شونده را ممنوع کرده است. "مع هذا استفاده از این مین‌ها برضد اهداف نظامی بلامانع است، فقط دولت استفاده‌کننده باید محل فروریختن آنها را ثبت کند و یا از مین‌هایی استفاده کند که مجهز به مکانیسم خود خنثی‌سازی" یا قابلیت خنثی شدن از راه دور باشند. این تعهد به دلایل عدیده‌ای اجرا نمی‌شود چون که اولاً با توجه به پرتاب شدن این مین‌ها تعیین محل دقیق آنها اگر غیرممکن نباشد بسیار سخت است. ثانیاً تجهیز مین‌های زمینی به مکانیسم خود خنثی‌سازی یا قابلیت خنثی شدن از راه دور هزینه‌های زیادی را در بردارد که دولتها به سهولت حاضر به پذیرش آنها نیستند.

ماده ۶ اشاره به ممنوعیت استفاده از «ادوات انفجاری» دارد که دارای ظاهری بی‌ضرر، همانند اسباب بازی کودکان، بوده اما قادرند جراحات و دردهای زائد و بیش از حدی را ایجاد کنند. منظور از «ادوات انفجاری» مندرج در این ماده ادواتی هستند که انفجارشان منجر به مرگی دردناک می‌شود. سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا عبارت «ادوات انفجاری» مندرج در ماده ۶ شامل مین‌های زمینی هم می‌شود یا نه؟ در این مورد اختلاف نظر وجود دارد و عده‌ای با استناد به تمایلات دولتها در هنگام تدوین پروتکل شماره II معتقدند که این عبارت شامل مین‌ها و نارنجکها و بسیاری از تسلیحات کلاسیک نمی‌گردد. "وجود همین اختلاف نظر نشان می‌دهد که حداقل در مورد تسری عبارت «ادوات

۱۰. مین‌های پرتاب شونده به مین‌هایی اطلاق می‌شوند که توسط هواپیما یا دستگاه پرتاب‌کننده شلیک و در منطقه‌ای پخش می‌شوند.

11. Self- neutralisation یا Autoneutralisation

۱۲. رجوع شود به:

DAVID-ERIC "Principes de droit des conflits armés", édition Bruylant, Bruxelles, 1994, p. 305.

انفجاری» به زمین های زمینی تردید وجود دارد. استفاده وسیع از زمین های زمینی در مخاصمات مسلحانه نیز گواه بر عدم اعتقاد دولتها به تسری عبارت «ادوات انفجاری» به زمین ها می باشد.

سرانجام ماده ۷ پروتکل سعی می کند اشخاص را در مقابل آثار زمین ها پس از پایان مخاصمات فعال مورد حمایت قرار دهد. براساس این ماده زمانی که نیروهای یکی از متعاهدین خاک دشمن را ترک می کند ملزم است محل زمین ها را به دشمن و ذبیرکل سازمان ملل متحد اعلام و نشان دهد. باید گفت که دولتها در عمل از انجام چنین وظیفه ای طفره می روند؛ به همین دلیل شورای امنیت سازمان ملل متحد در جنگ عراق برضد کویت یکی از شرایط خروج نیروهای متحدین از سرزمین عراق را موکول به دادن کلیه اطلاعات و کمک های لازم از سوی عراق برای شناسایی زمین ها، تله های انفجاری و سایر ادوات انفجاری به خود نمود.^{۱۳} اگرچه عراق روز بعد از صدور قطعنامه شورای امنیت این شرط را پذیرفت اما بنظر می رسد اطلاعات داده شده چندان روشن نبوده باشد؛ چونکه در سال بعد از پایان جنگ حدود ۱۲۵۰ نفر غیرظامی و ۵۰ نفر از متخصصین زمین رویی در میدانهای مین در کویت جان باختند.^{۱۴}

از بررسی مختصر مفاد پروتکل شماره II چنین برمی آید که این پروتکل حداقل حدی از ایذاء و رنج را براساس «ضرورت» پذیرفته است. حال این سؤال مطرح می شود که آیا می توان مبنایی برای «حالت ضرورت» در حقوق بین الملل یافت. در حقوق بین الملل عملی که برمبنای «حالت ضرورت» انجام می گیرد خود فی نفسه فاقد مشروعیت است. اما این عدم مشروعیت از میان می رود زمانی که برای پاسخ به عملی باشد که از لحاظ بین المللی نامشروع است. در عین حال عمل مبتنی بر «حالت ضرورت» باید فقط برضد دولتی باشد که عمل نامشروع بین المللی را انجام داده

۱۳. رجوع شود به قطعنامه ۶۸۶ شورای امنیت مورخ ۲ مارس ۱۹۹۱

۱۴. رجوع شود به: DAVID-Eric, op. cit, p. 307.

البته گاهی ممکن است محل زمین ها به علت تغییر شرایط آب و هوایی جایجا شود بنابراین حتی وجود نقشه محل استقرار زمین ها باعث نمی شود که روبیدن آنها به سهولت انجام می شود.

است و همچنین متناسب با آن عمل هم باشد. این دکترین کلاسیک مبتنی بر دو حکمی است که دیوان داوری ژرمن - پرتغال بعد از جنگ اول جهانی صادر نموده است.^{۱۵} با توجه به مطالب فوق بنظر می‌رسد سؤال بطور دقیق این باشد که آیا «حالت ضرورت» می‌تواند بعنوان یک قاعده حقوق بین الملل لحاظ شود؟

طرفداران دکترین «حالت ضرورت» به عرفی بودن آن استناد می‌کنند. اما از آنجا که مرز میان «حالت ضرورت» و «دفاع مشروع» بطور دقیق مشخص نیست.^{۱۶} می‌توان شاهد عملکرد بین المللی بسیار ضد و نقیض و مورد اعتراض دولتها بود. اگرچه مراسلات دیپلماتیک دولتهای معترض نمی‌تواند به خودی خود دکترین «حالت ضرورت» را بی اعتبار نماید اما در عین حال بنظر می‌رسد بتواند مانع ایجاد «یک رویه عمومی که بعنوان قاعده حقوقی پذیرفته شده است» باشد. به عبارت دیگر بنظر نمی‌رسد یک «اعتقاد به الزام آور بودن» (opinio Juris sive necessitatis) در مورد «حالت ضرورت» قابل احراز باشد.^{۱۷}

از سوی دیگر کارهای کمیسیون حقوق بین الملل در مورد مسؤولیت بین المللی دولتها نیز حاکی از سخت تر شدن شرایط مشروعیت اعمال مبتنی بر «حالت ضرورت» است براساس گزارش مخبر ویژه کمیسیون حقوق بین الملل باید اعمالی که در مقابل اعمال نامشروع بین المللی انجام می‌شود»

۱۵. در مورد آرای صادره از سوی دیوان داوری ژرمن - پرتغال که براساس معاهده ورسای تشکیل شده بود رجوع شود به

QUOC DINH- Nguyen, DAILLER- Patrick, PELLET- Alain "Droit international public" L.G.D.J, Paris, 4^e édition, 1992, p. 879

۱۶. البته باید مرز میان «حالت ضرورت» و خودیاری (Self-help)، «حالت ضرورت» «فورس ماژور» را نیز لحاظ و مشخص نمود.

۱۷. رجوع شود به:

JIMÉNEZ DE ARÉCHAGA- Eduardo, TANZI- Attila "La responsabilité internationale des Etats" in "Droit international : Bilan et perspectives", sous la direction de BEDJAOUI- Mohammed, A, pedone, paris, 1991, p. 377.

«صلح و امنیت و همچنین عدالت» را باخطر مواجه نکند.^{۱۸} با توجه به مطالب فوق بنظر می‌رسد که استفاده از «حالت ضرورت» بعنوان مبنای قواعد بین‌المللی در مورد مین‌های زمینی، اگر هم در برهه‌ای از زمان بزعم تدوین‌کنندگان آن قابل توجیه بوده است، دیگر امروز محلی از اعراب نداشته باشد؛ و همانگونه که قاضی کیریلوف در نظر مخالف خود در قضیه تنگه کورفو می‌گوید «دکترین حالت ضرورت یک دکترین متروک شده می‌باشد».^{۱۹}

از آنجا که آزار و رنج زائد و بیش از حد حتی در دوران مشروعیت جنگ مورد قبول نبوده است،^{۲۰} بنظر نمی‌رسد که «حالت ضرورت» بتواند توجیه‌کننده حتی حدی از رنج زائد و بیهوده باشد، بخصوص آنکه «حد قابل قبول از رنج زائد» نیز خود بطور دقیق مشخص نشده است.

امروزه با توجه به توسعه و گسترش اندیشه بشردوستانه هیچگونه ایذاء و اذیت بالانحصار در مورد افراد غیرنظامی نمی‌تواند قابل قبول باشد. شکوفایی و اوج‌گیری این اندیشه، بخصوص از آغاز دهه نود، سبب شده است که جامعه بین‌المللی با نگاهی بشردوستانه به معضل مین‌های زمینی بنگرد. نگاهی که منجر به انتقاد و اعتراض به قواعد موضوعه بین‌المللی در مورد این مین‌ها گردیده است.

۱۸. رجوع شود به

ARANGIO- RUIZ- G, 4^e rapport à la CDI., A/CN. 4/444 et add 1-2, 1.6. 1992, cité par QUOC DINH et les autres, op. cit, p. 879.

۱۹. رجوع شود به

Krylov- M, "opinion dissidente" in, Recueil des arrêts, avis consultatifs et ordonnances, 1949, p. 77.

۲۰. رجوع شود به

- اعلامیه ۱۸۶۸ سن پترزبورگ

- اعلامیه‌های IV و V و VI مصوب اولین کنفرانس صلح لاهه ۱۸۶۴

- کنوانسیونهای VIII و XIV مصوب دومین کنفرانس صلح لاهه ۱۹۰۷

II- بشردوستی

خشونت‌های بی حد و حصر و ستمگرانه در جریان جنگ دوم جهانی سبب شد تا اندیشه بشردوستانه عروج خود را آغاز کند. اگرچه این اندیشه مبنای تدوین برخی از قواعد بین‌المللی در مخاصمات مسلحانه، از جمله چهار کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو و دو پروتکل ۱۹۷۷ منضم به آنها، قرار گرفت، اما نتوانست مبنای کلیه قواعد بین‌المللی در این قلمرو قرار گیرد؛ و همچنان «حالت ضرورت» تعدیل شده‌ای در قالب دو اصل «عدم استفاده از هرگونه وسیله یا شیوه جنگی که ممکن است درد و رنج زائد و بیش از حد ایجاد کند» و «عدم استفاده از تسلیحاتی که بدون تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان آنها را مورد حمله قرار می‌دهد»^{۲۱} مبنای برخی دیگر از قواعد بین‌المللی از جمله مین‌های زمینی قرار گرفت. مع هذا اندیشه بشردوستانه همچنان به عروج خود ادامه داد بطوری که از آغاز دهه نود نقض قواعد مبتنی اندیشه بشردوستانه تهدیدی بر ضد صلح و امنیت جهانی تلقی گردید. شورای امنیت سازمان ملل متحد، بعنوان رکن ذیصلاح در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، نقض قواعد بشردوستانه در بحرانهای اخیر، اعم از بین‌المللی و داخلی همچون بحران ناشی از حمله عراق به کویت و بحران ناشی از کشتار مسلمانان در بوسنی و هرزگوین و بحران رواندا.... را به مثابه تهدیدی بر ضد صلح و امنیت جهانی تلقی و براساس فصل هفتم منشور ملل متحد تصمیم‌گیری نمود.^{۲۲}

اوجگیری اندیشه بشردوستانه و لحاظ نمودن قواعد مبتنی بر آن به مثابه قواعد آمره حقوق بین‌الملل سبب رخنه آن به قلمرو سایر قواعد بین‌المللی و بخصوص قواعد مربوط به مین‌های زمینی گردید. آنچه که باعث شد اندیشه بشردوستانه در مورد مین‌های زمینی نسبت به سایر تسلیحات زودتر و عمیق‌تر مطرح شود میزان خسارات و ایذاء و رنج بیشتری

۲۱. رجوع شود به آنتونیوکاسه «نقش زور در روابط بین‌الملل» ترجمه دکتر مرتضی کلانتریان- انتشارات آگاه، تهران- بهار ۱۳۷۵، صفحه ۳۳

۲۲. برای مثال رجوع شود به قطعنامه‌های ۸۰۸، ۸۲۷، ۹۵۴ شورای امنیت سازمان ملل متحد.

است که آنها نسبت به سایر ادوات جنگی وارد می‌کنند. درست است که مین‌های زمینی بعنوان سلاح جنگی مورد استفاده قرار می‌گیرند، اما آثار شوم آنها، یعنی کشتن و معلول کردن انستانهای بی‌گناه بخصوص غیرنظامیان، پس از پایان مخاصمات همچنان بطور گسترده و وسیع ادامه دارند؛ بطوری که سالانه ده هزار نفر مردم عادی در اثر انفجار مین‌های زمینی کشته و هزاران نفر معلول می‌شوند.^{۳۳} این مسأله دیگر با هیچ دلیلی قابل توجیه نیست. مین‌های زمینی، در واقع، تهدیدی جدی و خطرناک برای کل جوامع بشری است. آنها، تا زمانی که روئیده نشوند، همچنان به کشتار و تخریب خود ادامه می‌دهند بدون آنکه تفکیکی میان نظامیان و غیرنظامیان، میان تانکها و وسایل نقلیه عادی و غیره بگذارند. آنها همچنین به دلیل طول عمر زیاد و غیرقابل رؤیت بودن می‌توانند بطور مستقیم کلیه فعالیتهای بشردوستانه از جمله حفظ صلح، بازگرداندن آوارگان، رساندن کمک‌های غذایی و دارویی، آماده نمودن مردم برای اداره زندگی روزانه خود، برگزاری انتخابات آزاد و برقراری نظام سیاسی مشروع و دموکراتیک و... را در کشورهای مبتلا به تحت‌الشعاع قرار دهند. به عبارت دیگر مسأله وجود مین‌های زمینی خیلی فراتر از حدودی می‌رود که درگیری نظامی در آن جریان داشته است و کلیه ابعاد زندگی داخلی یک کشور را متأثر می‌کند. برای اینکه بتوان یکبار برای همیشه وجود این جذام را از پیکره جامعه بین‌المللی زدود باید دولتها را متعهد به پذیرش ممنوعیت کامل تولید، انباشت، نقل و انتقال و استفاده از آنها در هر شرایطی نمود. بنظر می‌رسد که جامعه بین‌المللی در چنین راهی قدم

۲۳. رجوع شود به

Background Note

United Nations Secretary- general

"Calls high- level international meeting on global land- mines crisis" U.N. office at Geneva 5-7- July 1995 p.1.

براساس آمار اعلام شده از سوی اخبار شبکه ۵ سیمای جمهوری اسلامی ایران در ساعت ۲۰ روز ۷۶/۵/۱۶ هر بیست دقیقه یک نفر در جهان در اثر انفجار مین‌های زمینی کشته یا معلول می‌شود. اگر چنین باشد بنظر می‌رسد که ابعاد فاجعه هر روز وسیعتر می‌شود.

گذاشته باشد که موضوع فصل دوم این نوشتار را تشکیل می‌دهد.

فصل دوم

در تکاپوی تغییر قواعد مین‌های زمینی:

از ممنوعیت نسبی تا ممنوعیت کامل

همانگونه که ملاحظه شد ممنوعیتهای مندرج در پروتکل شماره II و عدم نظارت و کنترل بر اجرای همین ممنوعیتهای سبب شد تا مین‌های زمین و آثار بربرگونه آنها امروز به عنوان یکی از معضلات عمده جامعه بین‌المللی ظهور کند که این خود نمی‌تواند با دیدگاه بشر دوستانه امروز سرسازگاری داشته باشد. به همین دلیل جامعه جهانی به تکاپو درآمده تا بتواند با بازنگری در مفاد پروتکل مزبور ممنوعیت کامل تولید، انباشته نقل و انتقال و استفاده از مین‌های زمینی را تحقق عینی بخشد.

علاوه بر تغییر مبانی قواعد بین‌المللی در مورد مین‌های زمینی که در فصل اول مورد مطالعه قرار گرفت، در این فصل ابتدا علل دیگری که موجب حرکت جامعه به سوی ممنوعیت کامل مین‌های زمینی شده است مطالعه می‌شوند و سپس روند تغییر در قالب عملکرد سازمانهای بین‌المللی دولتی و غیردولتی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

I- علل آغاز روند تغییر قواعد بین‌المللی در مورد مین‌های زمینی

علل مختلفی سبب شروع روند تغییر قواعد بین‌المللی در مورد مین‌های زمینی شده است که به عمده ترین آنها اشاره می‌شود:

۱. دلیل روانی-اجتماعی

مین‌های زمینی نه تنها بر روی قربانیان خود بلکه بر خانواده، خویشان و جامعه آنان نیز آثار وخیم روانی و اجتماعی می‌گذارند. قربانیان مین‌های زمینی، که اغلب مردم عادی می‌باشند، از فقدان یک یا چند عضو خود رنج می‌برند. برای مثال در کامبوج از هر ۲۳۴ نفر یک فرد

در اثر انفجار مین‌های زمینی معلول شده است؛ یا در آنگولا ۲۰۰۰۰ معلول مین‌های زمینی بسر می‌برند.^{۲۳} این اشخاص اغلب قادر به کار کردن نیستند و لذا سربار خانواده و جامعه خود می‌شوند. آنان در این وضعیت احساس می‌کنند که طفیلی خانواده و جامعه هستند و با عکس‌العمل‌های غیرقابل کنترل مشکلاتی برای خود، خانواده و جامعه شان ایجاد می‌کنند. به عبارت دیگر زندگی برای اغلب آنان دیگر معنای چندانی ندارد. برای بازگرداندن زندگی به آنان باید تلاش کرد تا آنان دوباره به فعالیت بپردازند. برای اینکار جامعه حداقل باید خدماتی از قبیل فیزیوتراپی و ساخت اعضای مصنوعی از بین رفته را ارائه دهد که متأسفانه این امکانات در اغلب کشورهای که با مشکل مین‌های زمینی مواجهند یا وجود ندارد یا بصورت ناقص وجود دارد که از کارآیی چندانی برخوردار نیستند. البته دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی سعی می‌کنند در برخی کشورها،^{۲۵} که به شدت با مشکل مین‌های زمینی مواجهند، خدماتی ارائه دهند. مع هذا کثرت معلولین از یک سو، و گران بودن هزینه تولید اعضای مصنوعی بدن از سوی دیگر و بالاخره مشکل آموزش به معلولین سبب شده است که این فعالیت‌ها نتوانند جوابگوی نیازها باشد.

۲. دلیل اقتصادی

شاید در میان تسلیحات نظامی مین‌ها ارزشمندترین جنگ‌افزارها باشند. بطوری که قیمت هر عدد مین ضد نفر حدود ۲ تا ۳ دلار و گاهی حتی کمتر از ۲ دلار می‌باشد.^{۲۴} به همین دلیل به آسانی قابل اکتیاف یا تولید می‌باشند. اما آنچه مشکل‌آفرین است مسأله رویدن آنها می‌باشد.

۲۴. رجوع شود به

"Assistance in mine clearance" Report of the Secretary - general, op. cit, p. 13.

۲۵. از جمله کشورهایی که از خدمات سازمان‌های غیردولتی نظر اندیکاب انترناسیونال استفاده می‌کنند می‌توان از افغانستان - کامبوج - موزامبیک - سومالی و عراق نام برد.

۲۶. رجوع شود به

Assistance in mine clearance, Report of the Secretary -- general, op cit, p. 7.

بطوری که جامعه بین‌المللی برای رویدن هر مین هزینه‌ای بین ۳۰۰ تا ۱۰۰۰ دلار متحمل می‌شود. بنابراین برای رویدن ۱۱۰ میلیون مین زمینی کار گذاشته شده مبلغی معادل ۳۳ میلیارد دلار لازم است.^{۲۷} در سال ۱۹۹۳ جامعه بین‌المللی متقبل ۷۰ میلیون دلار برای رویدن ۱۰۰,۰۰۰ مین زمینی شده است اما در همین مدت بیش از ۲ میلیون مین زمینی جدید کار گذاشته شده‌اند، یعنی جامعه بین‌المللی در سال ۱۹۹۳ با یک میلیون و نهصد هزار مین زمینی اضافی مواجه شد که این خود مبلغی برابر با یک میلیارد و چهارصد میلیون دلار به مبلغ قبلی پیش‌بینی شده برای مین‌روبی اضافه می‌کند.^{۲۸}

علاوه بر بالغ فوق باید هزینه‌های معالجه قربانیان مین‌های زمینی نیز لحاظ شوند. طبق برآورد سازمان ملل متحد باید برای هر قربانی، در صورت زنده ماندن، رقمی بیش از ۳۰۰۰ دلار هزینه نمود. براساس تخمین این سازمان حدود ۲۵۰۰۰۰ معلول مینی وجود دارد که نیاز به اعضای مصنوعی بدن دارند و هر ماه باید به این رقم ۸۰۰ نفر هم اضافه شود. در حال حاضر برای تهیه اعضای مصنوعی جهت قربانیان موجود رقمی معادل ۷۵۰ میلیون دلار لازم است.^{۲۹} بنابراین اگر روند استفاده از مین‌های زمینی متوقف نشود باید سالانه میلیونها دلار به کمک‌های

۲۷. رجوع شود به Ibid, p. 39.

۲۸. علت بالا بودن هزینه‌های مین‌روبی مشکلات ناشی از تکنیک‌های موجود برای مین‌روبی است. در حال حاضر از سیستم الکترومغناطیسی استفاده می‌شود که نسبت به اشیاء فلزی موجود در مین‌ها حساس می‌باشد. متأسفانه مناطقی هم که مین‌گذاری شده‌اند مملو از قطعات فلزی است که هرکدام از آنها دستگاه مین‌یابی را روشن می‌کند و نیاز به بررسی دقیق آنها می‌باشد که این کار بسیار وقت‌گیر و پرهزینه است. برای مثال در کامبوج از هر ۱۲۹ باری که دستگاه مین‌یابی روشن می‌شود فقط یکبار مین وجود دارد اما باید برای هر ۱۲۹ بار وقت صرف کرد. براساس تخمینی که زده می‌شود اگر تکثیر مین‌های زمینی در ۱۹۹۶ متوقف شود با آهنگ فعلی مین‌یابی و مین‌روبی حدود ۱۱۰۰ سال وقت برای رویدن کلیه مین‌های موجود در جهان لازم است. رجوع شود به "Assistance in mine clearance", Report of the Secretary - general, op. cit, p. 39.

۲۹. رجوع شود به

Ibid, p. 14

بشردوستانه جامعه بین المللی اضافه شود که در عمل بسیار مشکل و حتی غیرممکن می نماید؛ چونکه سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۳ حداکثر توانسته ۲/۵ میلیارد دلار به کمک های بشردوستانه برای ۱۶ کشور اختصاص دهد که از میان آنها ۱۳ کشور با مشکل جدی مین های زمینی مواجه بوده اند.

در کنار هزینه های فوق باید گفت از آنجا که مین های زمینی اغلب در مزارع یا در کنار تأسیسات زیربنایی نظیر جاده ها، خطوط قوی برق، سیستم های آبیاری و بخش های صنعتی کشورها کار گذاشته می شوند سبب می گردند که کشاورزی، حمل و نقل، تولیدات صنعتی، تجارت و در یک کلام زندگی اقتصادی این کشورها با مشکل جدی مواجه و در نتیجه تورم شدید گریبانگیر چنین جوامعی شود.^{۳۰}

مجموعه این عوامل سبب شده اند که مسأله بازنگری در قواعد پروتکل شماره II در دستور کار جامعه بین المللی قرار گیرد.

II- روند تغییر قواعد بین المللی در مورد مین های زمینی: پیش به سوی ممنوعیت کامل

روند تغییر قواعد بین المللی در مورد مین های زمینی به شکل مندرج در پروتکل شماره II در دستور کار نهادهای متعدد بین المللی قرار گرفته است. در این قسمت عملکرد این نهادها به ترتیب در قالب سیستم ملل متحد، سازمانهای منطقه ای و سازمانهای غیردولتی مورد بررسی قرار می گیرد. لازم به تذکر است که عملکرد نهادها یا برنامه های ملل متحد، سازمانهای منطقه ای و سازمانهای غیردولتی بیشتر در امر مبارزه با وجود مین های زمینی است. به همین جهت هم این بُعد از کار آنها بیشتر مورد

۳۰. برای مثال در آنگولا وجود میدانهای مین زمینی در اطراف ملانجه (Melanje) سبب شده است که ۲۵٪ محصولات غذایی اهالی کاهش یابد؛ یا در موزامبیک آثار خشکسالی با وجود مین های زمینی چندین برابر شده است. بطوری که مجبورند در برخی از استانهای آن کشور از جمله سوفالا (Sofala) یا زامبیزیا (Zambézia) به مردم غذا برسانند چون که آنان، به علت وجود میدانهای مین، قادر به کار نیستند.

مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد.

۱. سیستم ملل متحد

در این قسمت ابتدا عملکرد سازمان ملل متحد و سپس برخی از نهادها و برنامه‌های ملل متحد که در روند تغییر قواعد بین‌المللی مربوط به مین‌ها و مین‌روبی فعالیت می‌کنند بررسی می‌شود.

الف. سازمان ملل متحد

مشکلات ناشی از وجود مین‌های زمینی و مسأله کمک به روبیدن آنها اولین بار در سال ۱۹۹۳ در دستور کار چهل و هشتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت. مجمع عمومی پس از بحث‌های فراوان سرانجام قطعنامه ۴۸/۷ را در ۱۹ اکتبر ۱۹۹۳ تحت عنوان «کمک به مین‌روبی» تصویب نمود. مجمع در این قطعنامه ضمن قائل شدن فوریت برای خاتمه وضعیت نگران‌کننده ناشی از مین‌ها و دعوت از کلیه دولتها و سازمانها و نهادهای بین‌المللی و ملی جهت هماهنگی فعالیتهای خود در مسأله مین‌روبی، از دبیرخانه ملل متحد می‌خواهد که گزارشی در مورد مین‌های زمینی و سایر ادوات انفجاری تهیه و راهکارهای مقابله با آنها را ارائه و میزان مخارج و هزینه‌های مین‌روبی را برآورد نماید.

دبیرخانه در ۲۳ مارس ۱۹۹۴ نامه‌ای برای کلیه دولتها و سازمانهای بین‌المللی ارسال و تقاضای اطلاعات در مورد مسائل مطروحه در قطعنامه ۴۸/۷ را می‌نماید. دبیرخانه، پس از دریافت اطلاعات، گزارشی تهیه و در سال ۱۹۹۴ به چهل و نهمین اجلاس مجمع عمومی ارائه می‌نماید. دبیرکل سازمان در این گزارش ضمن پاسخ به درخواستهای مطروحه در قطعنامه ۴۸/۷ پیشنهاد می‌کند که علاوه بر مین‌روبی و آموزش افراد باید از تکثیر مین خودداری شود و یک نظارت مؤثر بر محدودیت

تولید، انباشت، نقل و انتقال و استفاده از مین های زمینی برقرار گردد.^{۳۱}

مجمع عمومی در چهل و نهمین اجلاس خود، پس از بررسی گزارش دبیرکل، قطعنامه ۴۹/۲۱۵ را تصویب و از دبیرکل می خواهد تا با برگزاری گردهمایی توجه افکار عمومی جهان را به مسأله مین ها جلب نماید و همچنین از دولتها و سازمانهای بین المللی بین الدولی یا غیردولتی تقاضای پشتیبانی سیاسی و مالی کند. این گردهمایی که از ۵ تا ۷ ژوئیه ۱۹۹۵ در ژنو برگزار شد توانست تا حدودی به اهداف مورد نظر خود و از جمله پشتیبانی لجستیکی و تکنولوژیکی در قلمرو مین روی نزدیک شود.^{۳۲}

اما آنچه مهم می نماید کنفرانس وین در مورد بازنگری در «کنوانسیون مربوط به برخی تسلیحات متعارف با آثار رنج و درد زائد» و ضمام آن است که پس از گردهمایی ژنو، در شهر وین در سپتامبر ۱۹۹۵ برگزار شد. در این کنفرانس یک گروه کاری متشکل از کارشناسان دولتی کار بازنگری در پروتکل شماره II در مورد مین های زمینی را بر عهده داشت.

اجلاس وین شاهد ارائه طرحها و پیشنهادات متعددی بود که دامنه آنها از تغییر برخی قواعد در حال اجرا برای محدودتر شدن مین های زمینی آغاز و تا ممنوعیت کامل تولید و استفاده از این مین ها ادامه داشت. مع هذا مذاکرات وین به دلایل متعدد توأم با موفقیت نبود. این دلایل را می توان به چهار دسته تقسیم نمود.

- اعتراض برخی کشورها از جمله چین و روسیه به پیشرفتهای ناشی

۳۱. رجوع شود به

"Assistance in mine clearance" Report of the Secretary-general, A/49/150, 1994, 55 pages.

۳۲. رجوع شود به

- Note to directors, UN information Services and centres.
International meeting on Mine clearance, UN office at Geneva, 5-7 July 1995.
- Background, International meeting on mine clearance
- United Nations Secretary - general
Calls High- Level International meeting on global Land- mines crisis, United Nations office at Geneva 5-7 July.

از اجلاس ژنو بود. این کشورها تلاش می‌کردند محدودیتهای استفاده از مین‌های زمینی را که ناشی از کار کارشناسان در مورد متن پروتکل شماره II بود تضعیف کنند.

روسیه معتقد است که مسأله مین‌های زمینی باید در کنفرانس خلع سلاح مورد بررسی قرار گیرد. چون که ممنوعیت مین‌های ضدنفر نه فقط بعد بشردوستانه دارد بلکه از ماهیت سیاسی هم برخوردار است و به همین جهت مرتبط با مسائل خلع سلاح می‌باشد.^{۳۳}

- اعتراض تعدادی از کشورها به خروج برخی از تسلیحات از قلمرو پروتکل شماره II بود. آمریکائیه‌ها و هلندیها خواستار آن بودند که مین‌های ترکشی، که ترکش آنها تا حد مشخصی پرتاب می‌شوند، در قلمرو قواعد حاکم بر مین‌های ضدنفر با عمر زیاد قرار نگیرند. در حالی که این خواسته مورد اعتراض بسیاری از هیأت‌های نمایندگی کشورها بود که می‌خواستند این مین‌ها، که بطور قابل توجهی کشنده هستند، در زمره مین‌های ممنوعه قرار گیرند.

- اعتراض به ارائه اصول فنی بیش از حد در مورد مکانیسم‌های امنیتی مین‌های زمینی بود. ایالات متحد آمریکا، همراه با اکثر کشورهای غربی، خواستار آن بود که مکانیسم‌های امنیتی مین‌های زمینی افزایش یابد در حالی که برخی از کشورهای مهم و ذینفع در مسأله از جمله روسیه مخالف بودند. روسیه اعلام کرد که برای تجهیز مین‌های ضدنفر به سیستم خود تخریبی حداقل ۱۵ سال زمان احتیاج دارد. بنظر می‌رسد علاوه بر زمان، مسأله هزینه‌ها نیز مد نظر کشورهای مخالف بوده باشد.

- اعتراض کشورهای غیرمتعهد تندرو با هر گونه نظارت و بازرسی در مورد اجرای قواعد مربوط به مین‌های زمینی بود. کشورهای هند، مکزیک و چین با این امر به شدت مخالفت می‌کردند و مدعی بودند که

۳۳. رجوع شود به

LAVROV- Sergey "Russian federation, perspective" in, Landmines, Demining news from the united Nations volume 2-2, may 1997, P. 4 and 5.

مین های زمینی تسلیحاتی برای دفاع غیرفعال و مشروع کشورهای کوچک می باشند.^{۳۳}

شرکت کنندگان، علیرغم شکست اجلاس وین، تصمیم گرفتند که اجلاسی را در سال ۱۹۹۶ در ژنو برگزار کنند. اجلاس اخیر در ۳ مه ۱۹۹۶ در ژنو تشکیل و بازنگری در پروتکل مربوط به مین های زمینی را با کنسانسوس تصویب نمود.

از سوی دیگر کشور کانادا با تلاشی که از ژانویه ۱۹۹۶ آغاز کرده بود موفق شد از ۳ تا ۵ اکتبر ۱۹۹۶ اجلاسی را با شرکت ۵۰ دولت عضو معاهده و ۲۴ دولت ناظر در اوتاوا برگزار نماید. در پایان این اجلاس اعلامیه ای معروف به اعلامیه اوتاوا صادر و در آن دولتها موافقت خود را با انعقاد معاهده ای در مورد ممنوعیت مین های زمینی در اسرع وقت اعلام کردند. در این اجلاس وزیر امور خارجه کانادا از کلیه دولتها دعوت کرد که همراه با کشور متبوعش در مذاکرات مربوط به انعقاد معاهده ممنوعیت مین های ضد نفر که در دسامبر ۱۹۹۷ برگزار خواهد شد شرکت نمایند.^{۳۴}

یکی از نتایج مهم اجلاس اوتاوا حمایت از قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد است که در پنجاه و یکمین اجلاس این رکن در مورد مین های ضد نفر به تصویب رسیده بود. در اجلاس پنجاه و یکم مجمع عمومی قطعنامه ای به ابتکار ایالات متحد آمریکا در مورد انعقاد موافقتنامه ای در مورد ممنوعیت تولید، انباشت، نقل و انتقال و استفاده از مین های ضد نفر با ۱۵۶ رأی موافق، بدون رأی مخالف و ۱۰ رأی ممتنع به

۳۳. رجوع شود به

BETTATI- Mario "Examen de la convention sur l'interdiction des armes classiques produisant des effets traumatiques excessifs"; AFDI, CNRS, paris, 1995, p. 190

۳۵. رجوع شود به

LAWSON- Bob "The ottawa process" in Landmines, op. cit, p. 6-9

تصویب رسید.^{۳۶}

در پی پشتیبانی تعداد قابل توجهی از دولت‌ها از انعقاد معاهده ممنوعیت کامل مین‌های ضدنفر تا پایان دسامبر ۱۹۹۷،^{۳۷} قرار شد گردهمایی‌هایی برگزار شود که اولین اجلاس در ژوئن ۱۹۹۷ در بروکسل برگزار و در پایان آن شرکت‌کنندگان طی اعلامیه‌ای معروف به اعلامیه بروکسل، آمادگی خود را جهت شرکت در اجلاس اوتاوا در ماه دسامبر اعلام کردند. دومین اجلاس در ماه سپتامبر ۱۹۹۷ در اسلو با حضور بیش از یکصد دولت برگزار شد. اجلاس اسلو حائز اهمیت فراوان است زیرا سرانجام پیش‌نویس کنوانسیون منع تولید، انباشت، نقل و انتقال و استفاده از مین‌های ضدنفر در ۱۸ سپتامبر به امضاء دولت‌های شرکت‌کننده رسید و قرار است که متن نهایی در اجلاس اوتاوا در دسامبر ۱۹۹۷ به امضاء دولت‌ها برسد. البته آمریکا از امضاء پیش‌نویس مزبور خودداری کرده و معتقد است که مین‌های ضدنفر باید به تدریج ممنوع شوند.

در کنار تلاش سازمان ملل متحد برای تغییر قواعد بین‌المللی حاکم بر مین‌های زمینی برخی نهاد یا برنامه‌های سیستم ملل متحد نیز فعالیت می‌کنند که قسمت عمده فعالیت آن مربوط به عملیات مین‌روبی است.

ب. نهادها یا برنامه‌های ملل متحد

اراده امور بشردوستانه:^{۳۸} اداره امور بشر دوستانه سازمان ملل متحد به درخواست مجمع عمومی سازمان در سال ۱۹۹۱ توسط دبیرکل ایجاد گردید.

۳۶. در ضمن در اجلاس پنجاه و یکم دو قطبانه به تصویب رسید که یکی بطور کامل در مورد مین‌روبی و دیگری در مورد کنوانسیون مربوط به تسلیحات متعارف با آثار رفع و درد زائد» می‌باشد

"Resolutions adopted by the general Assembly during the first part of its fifty-first session" D.P.I, New york, press release GA/ 9216 , 31 January 1997, p. 71-74, 178-180.

۳۷. این اجلاسها به دور اوتاوا معروف شده است.

38. Department of Humanitarian Affairs (DHA)

این نهاد، در واقع، حاصل ادغام دفتر هماهنگ کننده سابق ملل متحد برای امداد به آسیب دیدگان بلایای طبیعی و دبیرخانه دهه بین‌المللی کاهش بلایای طبیعی تشکیل شده است. اداره امور بشردوستانه در حال حاضر تلاش می‌کند تا به نیازهای اضطراری انسانی ناشی از بلایای طبیعی یا عملکرد خود انسان پاسخ دهد.^{۳۸} این نهاد در راستای وظایف خود به کشورهای جنگ‌زده‌ای که با مشکل مین‌های زمینی مواجهند و به کمک‌های بشردوستانه نیاز دارند کمک می‌کند. فعالیت این نهاد، در واقع هماهنگ کردن فعالیت‌های ملل متحد در مورد مبارزه با مین‌های زمینی و ارائه کمک‌های لازم به کشورهای نیازمند و سایر نهادهای ذیربط ملل متحد می‌باشد.

کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد:^{۳۹} فعالیت عمده کمیساریای عالی پناهندگان ملل متحد حمایت از پناه‌جویان با حفظ امنیت و کرامتشان و یافتن سرپناهی برای آنها می‌باشد. این فعالیت در عمل به علت وجود مین‌های زمینی با مشکل جدی روبرو شده است، چون که وجود این مین‌ها روند اسکان دادن پناه‌جویان را در روستاها و شهرها بسیار آرام و گاهی متوقف می‌کند. علاوه بر این، وجود این مین‌ها خود به تعداد پناه‌جویان می‌افزاید؛ چون که مردم عادی با ترک خانه و کاشانه خود در مناطق مین‌گذاری شده به خیل پناه‌جویان می‌پیوندند. به همین جهت کمیساریای عالی پناهندگان مجبور شده است ضمن هماهنگی با سایر سازمانهای ذیربط، متخصصین مین‌روبی را به برخی مناطق مین‌گذاری شده مانند کامبوج یا موزامبیک اعزام کند تا با آموزش افراد بومی خطر ناشی از وجود مین‌ها کاهش یافته و در نتیجه سرپناهی برای پناه‌جویان به

۳۸. رجوع شود به

"Basic facts about the United Nations", published by the Department of public Information, DPI, United Nations, New York, 1995, p. 218-219.

این مجموعه تحت عنوان «واقعیت‌های اساسی درباره سازمان ملل متحد» توسط آقای قدرت‌الله معاریان به فارسی ترجمه و توسط نشر کتاب سراج در سال ۱۳۷۲ به زیور طبع آراسته شده است.

40. United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR).

دست آید.^{۳۱}

صندوق کمک به کودکان ملل متحد (یونیسف): بنظر می رسد که کاربرد مین های زمینی نقض آشکار حقوق بین الملل بشردوستانه و بخصوص کنوانسیون ۱۹۸۹ در مورد حقوق کودک باشد. به همین جهت یونیسف مبارزه جدی برضد آنها را آغاز کرده است. خطر مین های زمینی برای کودکان به مراتب بیشتر از بزرگسالان است چون که شوق و علاقه آنها به بازی سبب می شود که یا با مین های کارگذاشته شده در زمین برخورد کنند یا با دیدن مین هایی به صورت اسباب بازی یا وسایلی برنگهای مورد علاقه کودکان و لمس آنها دچار حادثه شده، کشته یا معلول شوند. مجمع عمومی سازمان ملل متحد هم در قطعنامه ۲۸/۱۵۷ مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ خود خطرات ناشی از مین های زمینی برای کودکان را یادآور شده است. یونیسف با آگاهی از خطرات ناشی از عدم رویدن مین های زمینی برای کودکان و ضمن هماهنگی با برخی مؤسسات تخصصی ملل متحد،^{۳۲} تلاشهای خود را بر حمایت و پشتیبانی از سازمانهای غیردولتی در جهت مین روبی متمرکز کرده است. در همین راستا نیز کنفرانسی با شرکت سازمانهای غیردولتی فعال در امر مین روبی در ماه می ۱۹۹۴ در ژنو برگزار شد. به علاوه یونیسف به کودکانی که در اثر انفجار مین در کشورهایمانند افغانستان، آنگولا، بوسنی و هرزگوین، کامبوج، کرواسی، السالوادر، گواتمالا و رواندا معلول شده اند نیز کمک می رساند.^{۳۳}

۳۱. رجوع شود به

Fact sheet

"The office of the UNHCR and the probleme of landmines, hcr. fin / ksk/05 06/1330.

۳۲. از جمله سازمانهای تخصصی ملل متحد که با یونیسف در امر مین روبی هماهنگی و فعالیت می کنند یونسکو (UNESCO) می باشد. نمونه بارز این همکاری را می توان در جریان بحران رواندا ملاحظه نمود؛ چون که اغلب مدارس این کشور توسط گروههای درگیر مین گذاری شده بودند. برای مین روبی آنها یونیسف و یونسکو همکاری گسترده ای را با یکدیگر کردند.

۳۳. رجوع شود به

Fact sheet

"UNICEF'S work to protect children from land- mines.

سازمان بهداشت جهانی: سازمان بهداشت جهانی نیز در حل مشکلات ناشی از زمین های زمینی فعالیت می نماید. این سازمان با اجرای برنامه های عملی در مناطق مختلف مین گذاری شده در جهان سعی می کند آثار ناشی از مین های زمینی را بزدايد. ^{۳۳} این سازمان با همکاری کمیساریای عالی پناهندگان تلاش می کند خدمات مورد نیاز برای بازگرداندن پناه جویان را توسعه دهد.

برنامه جهانی غذا: ^{۳۴} برنامه جهانی غذا که در چارچوب سازمان جهانی غذا و کشاورزی (فائو) اجرا می شود، یکی از برنامه های سیستم ملل متحد است که با مشکل مین های زمینی مواجه می باشد. این نهاد در برخی از کشورها از جمله افغانستان، آنگولا، شمال عراق، موزامبیک، سومالی و سودان مجبور شده است غذا را از طرق هوایی به مردم برساند چون که در این کشورها اغلب جاده ها مین گذاری شده اند.

برنامه جهانی غذا در سال ۱۹۹۴ به ۸/۵ میلیون پناه جو، ۱۶/۵ میلیون آواره در داخل کشورها، ۷ میلیون نفر قربانیان بلایای طبیعی و در مجموع به میزان ۲/۲ میلیون تن غذا به ارزش ۱/۱ میلیارد دلار رسانده است. ^{۳۵} از آنجا که یکی از اهداف برنامه جهانی غذا ایجاد خودکفایی مردم و جوامع فقیر از نظر غذایی و مبارزه با گرسنگی است باید بتواند مردم بومی را دوباره به زندگی کشاورزی در مزارع بازگرداند، اما وجود مین های زمینی مانع بسیار مهم و بزرگی در این کار به حساب می آید و لذا نتیجه آن گرسنگی و مرگ است. به همین دلیل برنامه جهانی غذا ضمن همکاری با اداره امور بشر دوستانه و نیروهای حافظ صلح ملل متحد و

۳۳. در این مورد می توان از برنامه عملی سازمان بهداشت جهانی برای منطقه آمریکا نام برد. رجوع شود به.

"Assistance in mine clearance" Report of Secretary- general, op cit, p. 25 and 26.

45. World food Programme (WFP)

۳۴. در مورد این ارقام رجوع شود به

Fact sheet

WFP experience in demining

سازمانهای غیردولتی سعی می کند در امر مین روبی و بخصوص مبادله اطلاعات در مورد مین های زمینی فعالیت گسترده ای داشته باشد.

برنامه عمران ملل متحد: برنامه عمران ملل متحد یکی از نهادهایی است که از طرحهای مین روبی پشتیبانی و حمایت می کند و سعی می کند با اجرای طرحهای آموزشی، ایجاد مؤسسات مختلف قربانیان مین های زمینی را به زندگی اجتماعی بازگرداند. فعالیت برنامه عمران ملل متحد در کامبوج و موزامبیک توان این نهاد را در عملیات مین روبی بعد از مخاصمات مسلحانه و آموزش افراد بومی نشان داده است.^{۳۷}

عملیات حفظ صلح: علاوه بر فعالیت نهادهای فوق، سازمان ملل متحد تلاشهایی نیز در قالب عملیات حفظ صلح برای مین روبی انجام می دهد. نیروهای حافظ صلح ملل متحد، در سالهای اخیر، در بسیاری از کشورهایی که با مشکل مین های زمینی مواجه بوده اند حضور یافته و در فعالیتهای مین روبی این کشورها مشارکت داشته اند. براساس گزارش دبیرکل مین های زمینی دومین عامل مرگ و تلفات در میان نیروهای حافظ صلح ملل متحد می باشد.^{۳۸} وجود مین های زمینی مانع اجرا و ختم عملیات نیروهای حافظ صلح می شود و لذا عملیات صلح سازی (Peacemaking) و صلح بانی (Peacekeeping) ملل متحد را نیز با مشکل مواجه می نماید؛ چون که وجود این مین ها مانع استقرار نیروهای نظامی می شود و هم از وحدت حفظ صلح و امور بشردوستانه جلوگیری می کند و بنابراین کار ملل متحد ناتمام می ماند. به همین جهت ستاد فرماندهی عملیات حفظ صلح ملل متحد به نیروهای تحت امر خود توصیه می کند که با کارکنان اداره امور بشردوستانه در عملیات مین روبی در مناطق مین گذاری شده همکاری نمایند. مجموع فعالیتهای سیستم ملل متحد در امر مین روبی اگرچه لازم و

۳۷. رجوع شود به

The United Nations Development programme (UNDP) and Mine clearance, undp. fin/ksk 0706/1825

۳۸. رجوع شود به

"Assistance in mine clearance" report of the Secretary-general, op. cit, p. 26.

ضروری است اما کافی نیست، به همین دلیل فعالیت سازمانهای منطقه‌ای نیز ضروری می‌نماید.

۲. سازمانهای منطقه‌ای

در میان سازمانهای منطقه‌ای که در امر مین‌روبی فعالیت دارند می‌توان از سازمان دولتهای آمریکایی و سازمان وحدت آفریقا نام برد.

الف. سازمان دولتهای آمریکایی

سازمان دولتهای آمریکایی از سال ۱۹۹۲ «برنامه کمک به مین‌روبی آمریکای مرکزی» را تصویب نمود. هدف این برنامه تهیه امکانات فنی و مالی برای کمک به کشورهایی است که در تلاش برای پاکسازی آمریکای مرکزی از وجود مین‌های زمینی و سایر ادوات انفجاری هستند. طبق برآوردی که شده است حدود ۱۶۰,۰۰۰ مین زمینی در آمریکای مرکزی وجود دارد که در پنج کشور نیکاراگوئه (۱۲۹۰۰۰)، السالوادور (۲۰۰۰۰)، کستاریکا (۲۰۰۰)، هندوراس (۲۰۰۰) و گواتمالا (۳۰۰۰) کار گذاشته شده‌اند. بسیاری از این مین‌ها جهت حفاظت و جلوگیری از خرابکاری در اطراف تأسیسات زیربنایی مانند جاده‌ها، پلها، سدها، خطوط انتقال برق و منابع آب کار گذاشته شده‌اند. اما متأسفانه محل اغلب این مین‌ها توسط نیروهای دشمن یا در اثر تغییرات آب‌وهوایی و سایر عوامل طبیعی عوض شده است. به همین علت این تأسیسات که خود باید توسط این مین‌ها مورد مراقبت و حفاظت قرار می‌گرفتند در حال حاضر اسیر آنها شده‌اند و لذا حفظ و نگهداری و تعمیر این تأسیسات زیربنایی عملاً غیرممکن شده‌اند.

سازمان دولتهای آمریکایی، با کمک مالی برخی از دولتها و نهادهای خصوصی و همچنین کمک نظامی کارشناسان نیروهای نظامی سازمان دولتهای آمریکایی اجرای «برنامه کمک به مین‌روبی در آمریکای مرکزی» را آغاز کرده است. این کمک‌ها شامل دادن آموزش و تجهیزات لازم به

کشورهای مورد نظر برای مین‌روی می باشد. اولین مرحله اجرای این برنامه در نیکاراگوئه تحقق یافته است.^{۴۹} اما متأسفانه به علت عدم تأمین منابع مالی ادامه اجرای برنامه ابتدا با مشکلات جدی مواجه و سپس متوقف گردید. مع‌هذا سازمان دولتهای آمریکایی برای یافتن منابع مالی جدید تلاش می‌کند.

ب. سازمان وحدت آفریقا

از ۱۱۰ میلیون مین زمینی کار گذاشته شده در جهان حدود یک سوم آنها در ۱۸ کشور آفریقایی کار گذاشته شده‌اند.^{۵۰} علاوه بر خشکسالی و شرایط بد آب و هوایی در مناطقی از آفریقا، که گرسنگی و فقر را در این مناطق به دنبال داشته است، مین‌های زمینی بخصوص مین‌های ضد نفر نیز مزید بر علت شده‌اند. چون که کارگران، حتی در صورت مساعد بودن شرایط آب و هوایی، از کار کردن در مزارع کشاورزی، به علت خطر مرگ یا معلول شدن، امتناع می‌کنند. به همین دلیل شورای وزیران سازمان وحدت آفریقا با تصویب دو قطعنامه در ژوئن ۱۹۹۵ و فوریه ۱۹۹۶ از دولتهای عضو درخواست کرد که تلاشهای خود را هماهنگ کرده، افزایش دهند تا بتوانند معضل مین‌های زمینی را حل کنند. در ضمن دبیرکل سازمان وحدت آفریقا از دولتهای عضو درخواست کرده تا تلاشهای خود را صرف ممنوعیت کامل مین‌های زمینی کنند. کشورهای آفریقایی جنوبی و موزامبیک، در پاسخ به این درخواست، تصمیم گرفته‌اند که تولید و

۴۹. سازمان دولتهای آمریکایی مرحله اول این برنامه را در ۱۹۹۳ در نیکاراگوئه با آموزش به پنج گردان از ارتش آن کشور آغاز کرد. افراد آموزش دیده توانستند از ژوئن ۱۹۹۳ تا فوریه ۱۹۹۴ بیش از ۶۵۰۰ مین را منهدم یا بربند که خود دربرگیرنده ۲۰ درصد مناطقی است که توسط دولت نیکاراگوئه شناسایی شده بودند.

رجوع شود به

"Assistance in mine clearance" Report of the secretary- general, op cit, p. 22.

۵۰. رجوع شود به

Salim- Salim "Editorial Report, message from Secretary- general of the organization for African unity" in Landmines, op. cit, p 1 and 2.

استفاده از مین های زمینی را ممنوع نمایند. همچنین سازمان وحدت آفریقا با همکاری دولت آفریقای جنوبی اولین کنفرانس کارشناسان مین های زمینی در قاره آفریقا را در ماه می ۱۹۹۷ برگزار کرد. این سازمان با برگزاری این کنفرانس سعی می کند آفریقا را منطقه ای عاری از مین کرده و بدین ترتیب صلحی پایدار را در آن نقطه از عالم بنا نهد. اجلاس فوق در واقع جزیی از دور اوتاوا است که باید منجر به ممنوعیت کامل مین های زمینی شود. در کنار سازمانهای بین المللی یا منطقه ای بین الدولی باید از سازمانهای غیردولتی نیز یاد کرد که در امر مین رویی و مبارزه با مین های زمینی نقش بسیار مهمی ایفا می کنند.

۲. سازمانهای غیردولتی

سازمانهای غیردولتی هر روز از اهمیت بیشتری در روابط بین المللی برخوردار می شوند بطوری که حتی مخاطب شورای امنیت سازمان ملل متحد در قطعنامه هایی که این رکن براساس فصل هفتم منشور در بحرانهای اخیر از جمله بحران ناشی از حمله عراق به کویت، بحران سومالی... صادر نموده است شده اند.^{۵۱}

سازمانهای غیردولتی که در عرصه های مختلف حیات بشری در جامعه بین المللی فعالیت می کنند در قلمرو مبارزه با مشکلات ناشی از وجود مین های زمینی نیز فعال هستند. از مهمترین سازمانهای غیردولتی که

۵۱. مخاطب قرار گرفتن سازمانهای غیردولتی توسط ارکانی که علی الاصول مخاطبشان دولتها یعنی تابعان حقوق بین الملل هستند بحث بسیار جالبی را در خصوص ماهیت این سازمانها مطرح می کند. از آنجایی که مخاطبان شورای امنیت دولتها، به عنوان تابعان اصلی حقوق بین الملل، هستند آیا مخاطب قرار دادن سازمانهای غیردولتی توسط شورای امنیت می تواند این سازمانها را نیز به مثابه تابعان حقوق بین الملل مطرح کند؟ به نظر می رسد که بتوان سازمانهای غیردولتی را به عنوان تابعان عملی (sujets fonctionnels) یا (fonctionnels subjects) مطرح کرد. برای بحث بیشتر در مورد سازمانهای غیردولتی رجوع شود به بیگ زاده- ابراهیم «تأثیر سازمانهای غیردولتی در شکل گیری و اجرای قواعد بین المللی» مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۵، ۱۳۷۲، ص ۳۲۱-۲۹۵

در این مورد فعالیت می‌کند می‌توان از کمیته بین‌المللی صلیب سرخ،^{۵۲} هندیکاپ انترناشنال^{۵۳} هالوتراست^{۵۴} کاپ آنامور^{۵۵}، بنیاد آمریکایی خدمت کردگان در ویتنام،^{۵۶} سومالی لایف لاین،^{۵۷} کامبوج تراست^{۵۸} نام برد. سازمانهای غیردولتی به دو صورت با مسأله مین‌های زمینی برخورد می‌کنند که یکی جنبه عملی و دیگری جنبه تئوریک دارد.

الف. مشارکت عملی

سازمانهای غیردولتی به اشکال مختلف در امر مین‌روبی مشارکت می‌کنند:

- مشارکت مستقیم: این مشارکت یا به صورت شرکت مستقیم این سازمانها در عملیات مین‌روبی است و یا در قالب آموزشی به افراد بومی و آماده نمودن و تجهیز کردن آنها برای برخورد با معضل مین‌های زمینی تبلور می‌یابد. نمونه بارز این نوع مشارکت را می‌توان در افغانستان و شمال عراق مشاهده نمود.

- مشارکت غیرمستقیم: این مشارکت با انعقاد قرارداد با نهادهای ملل متحد که در امر مین‌روبی فعالیت می‌کنند تحقق می‌یابد از آن جمله می‌توان از قرارداد منعقد شده فیما بین سازمان غیردولتی هالوتراست در برنامه عمران ملل متحد (UNDP) برای مشارکت در عملیات مین‌روبی در موزامبیک نام برد.^{۵۹}

52. International Committee of the Red Cross (ICRC)

53. Handicap International

54. Halo- Trust

55. Cap Anamur

56. The Vietnam Veterans of America foundation

57. Somali Lifeline project

58. The Cambodia Trust

۵۹. رجوع شود به

"Assistance in mine clearance" Report to of the Secretary- general op. cit, p. 33.

البته گاهی سازمانهای غیردولتی ملی نیز در برنامه های مین روبی مشارکت می کنند که از جمله آنها «برنامه مین روبی برای افغانستان» است. این برنامه، که با کمک دفتر ملل متحد برای هماهنگی کمک بشردوستانه از ۱۹۹۳ آغاز شده است، در واقع توسط شش سازمان غیردولتی افغانی با ۲۵۰۰ افغانی آموزش دیده انجام می شود.^{۶۰}

ب. مشارکت تنوریک

سازمانهای غیردولتی در کلیه اجلاسهایی که توسط سازمانهای بین المللی بین الدولی مانند سازمان ملل متحد یا به وسیله سازمانهای بین الدولی منطقه ای مانند سازمان دولتهای آمریکایی در مورد مین های زمینی برگزار می شوند شرکت می کنند. شرکت فعال این سازمانها در اجلاسهای سازمان وحدت آفریقا شاهد این مدعا است. حتی در اجلاسهای بین المللی از سازمانهای غیردولتی بدلیل داشتن تجارب گرانقدر عملی و ارائه پیشنهادات سازنده در جهت ممنوعیت کامل استفاده از مین های زمینی دعوت به عمل می آید.^{۶۱}

همانگونه که ملاحظه می شود نقش سازمانهای غیر دولتی در امر مبارزه با مین های زمینی بسیار مهم و به لحاظ ماهیتشان از کارآیی بالایی برخوردارند.^{۶۲}

۶۰. رجوع شود به

"Assistance in mine clearance" Report of the Secretary general, op. cit, p. 29.

۶۱. رجوع شود به

Background Note

U.N. Secretary-general

Calls high level international meeting on global Land-mine crisis. U.N. office at Geneva 5-7 July 1995.

۶۲. برای مطالعه بیشتر در مورد نقش سازمانهای غیردولتی در امر مبارزه با مین های زمینی رجوع شود به

HOWELL- Bill "NGOs perform vital role" in Landmines, op. cit, p. 10-11-13.

نتیجه‌گیری

علیرغم تلاش سازمانهای بین‌المللی و منطقه‌ای و غیردولتی و حتی خود دولت‌ها^{۶۳} برای رویدن مین‌های زمینی کار گذاشته، بنظر نمی‌رسد که مین‌روبی راه‌حل اصلی این معضل جامعه بین‌المللی باشد. وجود ۱۱۰ میلیون مین زمینی در حال حاضر و اضافه شدن سالانه ۲ تا ۵ میلیون دیگر براین تعداد، عدم پیشرفت تکنولوژی مین‌یابی نسبت به پیشرفت تکنولوژی ساخت مین،^{۶۴} تولید انبوه و انباشت آنها توسط کشورها، عدم تهیه منابع مالی لازم برای مین‌روبی، آثار غیرتبعیض‌آمیز آنها (عدم تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان) و از همه مهمتر توجه بیش از پیش جامعه جهانی به حقوق بشردوستانه که منجر به اعتراض به مبانی قواعد بین‌المللی موجود در مورد مین‌های زمینی یعنی «ضرورت» شده است، تنها یک راه‌حل را پیش‌روی جامعه جهانی می‌نهد تا بتواند جان خود را از این میراث مرگبار نجات دهد و آن همانا ممنوعیت کامل تولید، انباشت،^{۶۵} نقل و انتقال و بخصوص استفاده از این مین‌هاست. اعضای جامعه جهانی باید نه تنها متعهد به عدم تکثیر، انباشت، نقل و انتقال و استفاده از مین‌ها شوند بلکه باید یک مکانیسم نظارتی را نیز برای کنترل عملکردشان بپذیرند. این مکانیسم نظارتی می‌تواند یا از طریق نهاد مستقلی که دولت‌ها ایجاد می‌کنند اعمال شود و یا برای صرفه‌جویی در هزینه‌ها و نیروی انسانی، از سوی یکی از نهادهای ذیصلاح موجود ملل متحد انجام شود. البته حل‌نهایی معضل پیچیده مین‌های زمینی به این شکل بستگی به میزان همبستگی اعضای جامعه جهانی دارد.

۶۳. فعالیت مین‌روبی توسط برخی از دولت‌ها نیز انجام می‌شود. در این خصوص می‌توان از فعالیت دولت‌های افغانستان، آنگولا، کامبوج، السالوادور، گرجستان، گواتمالا، لیبیا، موزامبیک، رواندا، سومالی، یمن و یوگسلاوی سابق نام برد. البته بخش مهمی از فعالیت‌های مین‌روبی در این کشورها توسط سازمانهای بین‌المللی دولتی یا غیردولتی یا به کمک آنها انجام می‌شود.

۶۴. در حال حاضر حدود ۳۵ نوع مین‌های زمینی وجود دارد در حالی که بهترین تکنولوژی در امر مین‌روبی تکنیک الکترومغناطیسی است که لااقل قادر به یافتن مین‌های ضد نفوذ پلاستیکی نیست.

۶۵. در حال حاضر حدود ۱۵۰ میلیون مین زمینی در کشورهای مختلف انبار و نگهداری می‌شود. رجوع به

Lawson- Bob "The ottawa process" in Landmines, op. cit, p. 9.